

نهضت آینده افغانستان ائتلافها، اتحادها و بلوک های سیاسی را با دیگر نیروهای تحول طلب و مرفی، وسیله مهمی در جهت تحقق اهداف خود پنداشته، پیوسته در راه همبسته گی این نیروها مبارزه میکند. (مراومه نهضت آینده افغانستان)

احمدضیا صدیقی سپهر

نکاتی خندسرامون وحدت، ائتلافها، اتحادها...

در این مقطع که کار تدارک نخستین «مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مرفی و صلحخواه افغانستان» به منظور دستیابی به یک پلاتفورم مشترک اندیشه یی - سیاسی جهت تکوین یک نهاد سیاسی متعلق به مردم افغانستان، به ابتکار و تلاش «نهضت آینده افغانستان» آغاز گردیده است، مفید به نظر میرسد تا به برخی نکاتی مرتبط به این روند مختصراً بپردازیم.

در شرایط موجود سیاسی جامعه افغانی، که حاکمیت و اپوزیسیون فعال هر دو در اختیار ارتجاع عقب گراه و حامیان آنها قرار دارند، متشکل ساختن نیروهای چپ، دموکراتیک و مرفی در یک نهاد بزرگ سیاسی به منظور ایجاد یک الترناتیف مردمی مقدم ترین وظیفه است که در برابر تمام نیروهای چپ، دموکراتیک و پیشرو جامعه افغانی قرار گرفته است.

به کارگیری مداوم واژه های وحدت، اتحاد و ائتلاف توسط احزاب، سازمانها و نهاد های سیاسی - اجتماعی دموکراتیک ترقیخواه و فعالین آنها، تدویر گردهمایی ها و تلاش در جهت راه اندازی مباحثات بین نیروهای چپ، دموکراتیک و مرفی به منظور دستیابی به یک پلاتفورم مشترک سیاسی اندیشه یی، صدور قطعنامه ها، اعلامیه های سیاسی، اطلاعیه ها و فراخوانهای متعدد در رابطه به امر وحدت، اتحاد، همکاری،

همسویی و اوجگیری همگرایی در حرکت‌های دموکراتیک و مترقی، خود حاکی از عینیت این نیاز مبرم است.

آنچه روشن است این که در وضعیت جاری، بخش‌های قابل ملاحظه از فعالین جنبش چپ دموکراتیک کشور نیازمندی جنبش عمومی و دموکراتیک جامعه افغانی را خوب میدانند و هم وحدت، اتحاد، یک پارچه گی، همسویی و همگرایی نیروهای دموکراتیک را در عرصه های سازمانی و اندیشه یی و اتحاد عمل مشترک درک نموده اند و به این نتیجه دست یافته اند که به تنهایی قادر به تأمین و تحقق اهداف مورد نظر شان نیستند. ولی بنابر عوامل عدیده نتوانسته اند، گامهای عملی مؤثر و سازنده را در این عرصه بر دارند.

دلایل عدم موفقیت تشکل نیرو های چپ دموکراتیک افغانی در یک سازمان بزرگ سیاسی به منظور ایجاد یک الترناتیف مردمی با وضاحت در گزارش سیاسی شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان که به کنفرانس سراسری مؤرخ ۲۳ جون ۲۰۰۷ این نهضت ارایه شده بیان گردیده است، چنانچه در یک بخش این گزارش آمده است:

"یگانه امکان سیاسی برای ما، متشکل ساختن نیرو های چپ دموکراتیک در یک سازمان بزرگ سیاسی است تا از طریق آن بتوانیم از پی جنگ فرسایشی که بین دو بخش ارتجاع جریان دارد یک الترناتیف مردمی را ارایه بداریم.

اوضاع پیچیده داخل کشور و تبلیغات ایدئولوژیک مسخ کننده رسانه های گروهی وابسته به ارتجاع جهانی و امپریالیزم درک روند های بنیادی جامعه افغانی را برای بسیاری از حلقات و گروه های بازمانده از حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) دشوار ساخته است فاصله گرفتن از وابسته گیهای دیروز که عمدتاً بر محور بینش مسلط در حاکمیت شوروی دیروز شکل گرفته بودند از یک سوء و دل بسته گی به هیاهوی اغواگرانه دموکراتیزم غربی که از سوی مراکز ایدئولوژیک امپریالیزم اشاعه مییابد از سوی دیگر بخشهای از بقایای جنبش چپ افغانی را که با سطحی نگری اندیشه یی و خوش باوری سیاسی خوگرفته بودند به ایجاد تجمع های کشاند که

حاکمیت موجود کابل را به حیث یک حاکمیت مشروع و قانونی تلقی کردند و خود در تقویت نظام، فعالانه شرکت جستند. نهضت آینده افغانستان پیوسته این گرایشها و اقدامات زیانبار را مورد نقد جدی سیاسی - اندیشه‌ی قرار داده، نیروهای واقعی چپ دموکراتیک کشور را به موضعگیریهای واقعاً مردمی دعوت کرده است. کسانی که تصور میکنند با اتحاد های فریبنده و دستکاریهای سطحی در تعویض چهره ها و عاملان حاکمیت میتوان وضع سیاسی کشور را دگرگون ساخت یا آدمهای جدی سیاسی نیستند یا اینکه عمداً در راه ایجاد زمینه های یک الترناتیف واقعاً دموکراتیک و مردمی سنگ اندازی میکنند."

همچنان در این گزارش آمده است: «توهمات وحدت خواهی حزب دموکراتیک خلق افغانستان یا حزب وطن آنگونه که واقعیت نشان داده است دیگر یک شعار دلسوزانه نبوده، بل یک مشی بازدارنده برای تشکل مبارزان اصیل داد خواه کشور است و زمانی که برخی از اعضای سابق حزب دموکراتیک خلق در خدمت تحکیم مواضع ارتجاع قرون وسطایی قرار دارند یا برای اجرای پلانها خاص کشورهای معین سرگرم معاملات سیاسی اند و با تاریک اندیش ترین نیرو های جهادی در پیمانها و اتحادهای سیاسی شرکت میکنند، چگونه میتوان شعار وحدت دوباره اعضای حزب دموکراتیک افغانستان و یا حزب وطن را سر داد. بر عکس باید به مبارزان راستین جنبش انقلابی کشور گفت که "روند انفکاک" یا پروسه جدا شدن سیاسی - اندیشه‌ی در درون بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) و سازمانهای قمری آن تسریع گردیده است که در نتیجه بازمانده های چپ دیروزی به چند دسته تقسیم شده اند. یکی سازمانها و گروه های مترقی که در شمار آن ها نهضت آینده افغانستان به حیث ممثل سیاسی - اندیشه‌ی آرمانها و خواستههای زحمتکشان افغانستان قرار دارد و در خط تداوم آماجهای آغازین جنبش چپ انقلابی کشور به ویژه آرمانهای آغازین حزب دموکراتیک خلق افغانستان گام بر میدارد و دیگر گروههایی که به منافع خلق افغانستان پشت پا زده اند و مصروف معامله گریهای سیاسی برای رهایی به حاکمیت

اند و هستند تعداد انبوهی از مبارزان دیروز که راه خود را تا هنوز انتخاب نکرده اند و در انتظار به سر میبرند.».

نکته مهم اینست که، هم مسأله وحدت اصولی نیرو های چپ افغانی و هم مسأله تکوین اتحادها و جبهه های سیاسی در جنبش عمومی دموکراتیک کشور، به منظور ایجاد یک نهاد گسترده فراگیر سیاسی مطرح است، ولی مقدم از هر اقدامی اولویتهای هریک از این مسایل را باید دریافت.

به نظر ما در وضعیت موجود که هنوز نیرو های چپ واقعی در پراکنده گی و تفرق قرار دارند، به یک نیروی متشکل و منسجم سیاسی - اجتماعی تبدیل نگردیده و نتوانسته اند به منزلت یک نیروی واحد و در آمیخته، بالفعل در وضعیت جاری سیاسی کشور حضور یابند، مطرح نمودن شعارهای ائتلافها، اتحاد ها و تکوین جبهه های سیاسی فاقد بار مثبت سیاسی به نفع جنبش چپ بوده پیش از وقت پنداشته میشود.

از دید ما، مقدم ترین وظیفه لحظه کنونی نیرو های چپ افغانی، تأمین وحدت نیرو های چپ واقعی در یک سازمان سیاسی واحد، سراسری و مستقل به خاطر داخل شدن در وضعیت سیاسی کنونی است. بنا بر همین دید، نهضت آینده افغانستان با در نظر داشت ویژه گیهای ماهوی جنبش عمومی دموکراتیک کشور، کار در راستای تأمین "وحدت چپ افغانی" را به منزلت اساسی ترین شعار روز در سر خط وظایف خویش قرار داده است.

وحدت به مفهوم عام آن در نهایت، به معنای درهم آمیخته گی و یگانه شدن برای ما مطرح است. منظور ما از وحدت نیرو های "چپ واقعی" عمدتاً یگانه گی اندیشه یی، سیاسی و تشکیلاتی است، این وحدت میتواند به شکل عام آن یعنی وحدت کمی و کیفی وسیع در قالب یک حزب واحد بزرگ سراسری تأمین گردد و هم میتواند به شکل خاص آن (وحدت محدود) در چار چوب سازمانها، نهادها، حلقات و نیرو های مختلف، در یک طیف وسیع و فراگیر تشکیلات سیاسی - اجتماعی محقق گردد.

این وحدت با پیوند های مستحکم تر، برنامه گسترده تر، جهت گیریهای مشخصتر و دامنه اختلافات محدود تر نسبت به هر اتحادی خواهد بود.

داشتن اصول تشکیلاتی بر پایه موازین دموکراتیک، اصول مرامی علماً تنظیم شده در مطابقت با مرحله جاری تکامل انکشاف اقتصادی- اجتماعی و دورنمایی تاریخی جامعه افغانی و پیشبینی راهکار های دست یابی به اهداف مطروحه از مشخصات این وحدت است.

یکی از فکتور های پیش زمینه وحدت اصولی، اتحاد عمل است. از این دید اتحاد عمل به این مفهوم است که افراد، محافل، حلقات، گروه ها گرایشها، نهاد ها و سازمانهای مورد نظر، با حفظ موقعیت خود شان بدون اینکه دلیلی برای انحلال خود داشته باشند و یا ضرورتی داشته باشند که اساس نظریات خود را کنار بگذارند، به عنوان یک گرایش بزرگ چپ بتوانند وارد یک سلسله از فعالیتهای مشترک در ارتباط به زنده گی زحمتکشان و جامعه افغانی گردند و در حین حال به یک سلسله مباحثاتی هدفمند و مرتبط به زنده گی زحمتکشان بپردازند و به افتراق پایان دهند. بدون تردید میتوان گفت که، پس از سپری شدن یک دوره زمانی، این اتحاد، میتواند نشریه خود را داشته باشند، شبکه های اینترنتی خود را داشته باشند و فعالیتهای مشخص خود را انجام دهند. زمانی که همدیگر را آزمایش نمودیم و اطمینان حاصل نمودیم که در گفتار و کردار اختلاف نداریم و همسویی مشخص احساس شد (باید در نظر داشت که عدم اختلاف و داشتن همسویی به هیچ وجه به مفهوم نفی تنوع تحلیل، استدلال و داوری نیست)، آن موقع زمانی خواهد رسید که وحدت اصولی را پی ریزی کنیم.

برای هر نیروی "چپ واقعی" و معتقد به جهان بینی علمی، تشکیلات یکی از اصول بنیادین و جهان شمول مبارزاتی است. اساساً چپ بودن بدون تشکیلات نمیتواند کارآیی و بازتاب عینی داشته باشد. اما اینکه چه تشکلی و چگونه تشکیلاتی را باید ساخت تابع ذهن، اراده و موضعگیری چند حلقه، گروه و یا چند فرد و یا فلان رهبر نیست، این مسأله بر میگردد به شرایط عینی و ذهنی هر کشور و ضرورتهای عینی و

تاریخی هر جنبش، یا به بیان دیگر محتویات یک تشکیلات چپ، دموکراتیک و ترقیخواه واقعی را ضرورت‌های مبارزاتی برآمده از مختصات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی آن جامعه تعیین می نماید که، این نیروها در بطن آن قرار دارند و به تحلیل جامع آن مبادرت میورزند.

اتحاد و یا ائتلاف و ایجاد جبهه های سیاسی شعاریست که پس از حضور یابی بالفعل نیروهای چپ واقعی در وضعیت جاری کشور میتواند مطرح شود. آن چنانیکه رفیق عبدالله نایبی در نوشتاری تحت عنوان "وحدت چپ افغانی و امکان یک الترناتیف دموکراتیک" تذکر داده است: (مرانامه نهضت آینده افغانستان "اتحاد با دیگر نیروهای تحول طلب و مترقی" را در صورت حضور چپ به حیث یک نیروی واحد و مستقل در وضعیت سیاسی مطرح کرده است نی پیش از آن !!).

بنا بر همین استدلال، در وضعیت جاری کشور تأکید ما بیشتر به وحدت نیروهای چپ دموکراتیک است، زیرا باور ما این است که وحدت چپ دموکراتیک تضمینی است برای داشتن نقش مؤثر در جنبش عمومی کشور.

به پندار ما، وحدت و یا "اتحاد" نمیتواند صرفاً بر پایه های تعلقات سیاسی، سازمانی، تشکیلاتی و جناحی گذشته و یا وفاداری به رهبران و یا اعتماد متقابل یا داشتن سلیقه های همگون بناء گشته و پایدار بماند، باید توجه نمود که وحدت و اتحاد صرفاً برای وحدت نیست، بلکه ابزار است برای پیشبرد و تحقق اهدافی دیگر.

اهداف ما توهم با مواضع سیاسی ما در برنامه سازمان ما با وضاحت کامل به صورت شفاف بازتاب یافته است.

از دید ما ساختار سازی، برای تأمین وحدت امر ضروری است ولی کافی نمی باشد، هر ساختار هدف و پروژه را دنبال میکند و در وجود آنها است که معنی پیدا میکند برای هر وحدت در گام نخست و جود ساختار و هدف، لازم است و هر ساختار باید سیاست

روشن را برای هدف و تحقق وظایف خود ارایه کنند و به سوالهای ماندوحدت باکی؟ برای چی؟ و به پایه کدام محور؟ پاسخهای روشن و شفاف ارایه بدارند.

نکته مهم دیگر اینکه، شرط اساسی برداشتن گامهای سازنده و مؤثر در این راستا مقدم از همه درک موقعیت و چگونه گی نیرو های چپ دموکراتیک کشور در ارتباط به وضعیت جاری سیاسی کشور است، در رابطه به این مسأله در (فراخوان کنفرانس سراسری نهضت آینده افغانستان خطاب به مبارزان چپ، دموکراتیک و نیرو های ترقیخواه، تحول طلب کشور - شهر بن - دوم سرطان ۱۳۸۶ خورشیدی مطابق ۲۳ جون ۲۰۰۷) آمده است "سوگمنده باید گفت که نیرو های چپ، دموکراتیک و تحول طلب کشور در نتیجه حاکمیت سر نیزه و فشار ارتجاع سیاه و سیاستهای معامله گرانه حاکمان خارجی رژیم، هنوز طوری که لازم است متشکل نگردیده، در وضعیت سیاسی کشور اثر گذار نیستند و در افتراق و پراکنده گی بیسابقه یی قرار دارند که این امر طبعاً موجب تقویت ارتجاع حاکم میگردد."

با تأکید بر این مسأله که یگانه چشم انداز واقعی برای تغییر مثبت در وضعیت بحرانی کشور، تشکل نیروهای چپ، دموکرات و مترقی در یک نهاد سراسری، جهت شمولیت در وضعیت جاری میباشد و با درک این واقعیت که تلاشهای آغار شده از سوی برخی نهادها و حلقات و شخصیتهای منفرد در راستای ایجاد یک نهاد فراگیر به گونه یی «سازمان سراسری» تاکنون به بنبست مواجه گردیده است و نهادها و گروههای ضد وحدت با تمام امکانات دست داشته خود با تعقیب سیاستهای سازشکارانه انتظار و تردد، افتراق و انقطاع را بر جنبش چپ و دموکراتیک جامعه افغانی تحمیل میدارند و با تشدید معاملات و بازیهای سیاسی حالت روان افسرده گی را در بین نیرو های چپ به میان آورده اند. اولین قدم در راه برطرف کردن افتراق و پراکنده گی کنونی میان نیرو های چپ دموکراتیک کشور، کوشش برای پیدا کردن طرق و راه های گفتوگو و مذاکره به خاطر ایجاد یک نهاد با اعتبار سیاسی سراسری است.

برگزاری نخستین مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و صلحخواه افغانستان زمینه خواهد بود که شرایط ذهنی برپایی یک نهاد بزرگ تشکیلاتی متعلق به زحمتکشان را فراهم خواهد ساخت این «مجمع» با یک برنامه مشخص مباحثه سازنده و با هدف مشخص جهت همسو سازی دیدگاه ها و اهداف سیاسی سازمانها، حلقات و مبارزان، راه اندازی خواهد شد.

عمده ترین هدف از برگزاری این مجمع، فراهم نمودن زمینه های لازم عینی و همسویی فکری برای بحث و تبادل نظر پیرامون تکوین اصول و خطوط یک برنامه حداقل یا یک پلتفرم سیاسی - سازمانی برای جنبش چپ دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی است. آنچه روشن است اینکه تأمین وحدت نیرو های چپ، دموکراتیک و مترقی در یک نهاد تشکیلاتی کار دشوار، پیچیده و یک مبارزه طولانیست و نباید انتظار موفقیت زود هنگام را داشت.

هیچ کس نمیتواند ادعاء آنرا نماید که به تنهایی سایه افتراق، جدایی، پراکنده گی و انقطاع طولانی را از فراز جنبش چپ کشور در یک نشست و یا با برگزاری یک «مجمع...» میتوان دور ساخت، ولی با ارایه مواضع شفاف، ابتکار عمل و با سرفرازی، آهنگ روند را که آغاز گردیده است با وقف انقلابی و انعطاف پذیری اصولی، به همت و عزم قوی مبارزان انقلابی چپ افغانی میتوان تشدید بخشید.

اتحاد و جبهه های سیاسی:

در رابطه به اتحادها، بلوکها و جبهه های سیاسی، ما پیوسته نظریه ها و دیدگاه های خود را با وضاحت به صورت شفاف بیان نموده ایم، در این رابطه در مرامنامه "نهضت آینده افغانستان" آمده است که: " نهضت آینده افغانستان ائتلاف ها، اتحادها، و بلوکهای سیاسی را با دیگر نیرو های تحول طلب و مترقی وسیله مهمی در جهت تحقق اهداف خود پنداشته، پیوسته در راه همبسته گی این نیرو ها مبارزه میکند."

ما بر آنیم که هیچ جنبش اجتماعی بی نیاز از جبهه متشکل از نیرو های شامل در وضعیت سیاسی نیست و هیچ جبهه بدون توافق بر سر عام ترین اصول مورد تفاهم در مرحله گذار جنبش تشکیل نمی شود، خواسته های مرحله یی (مقطعی و تاکتیکی) هر جبهه را واقعیات روز مره و مرحله یی که جنبش در آن قرار دارد تعیین میکند و در کوتاه ترین شعار ها بیان میشود، هم تجمع نیرو های چپ دموکراتیک و تحول طلب و هم منزوی ساختن نیرو های ارتجاع و ارتجاع نوین و مدافعین آنها در گرو همین اصل است.

از دید ما اتحاد نیرو های چپ دموکراتیک میتواند در اشکال و ابعاد مختلف طرح و به کار گرفته شود، این اتحاد میتواند بر محور همکاری و همگامی حول مسایل فعالیت های مبارزاتی عام مانند تأمین و تحکیم آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، تأمین دموکراسی و دفاع و حفظ تمامیت ارضی کشور باشد و یا اتحاد و ائتلافی باشد استراتژیک، حول مسایل مربوط به استقرار یک نظام دموکراتیک و ایجاد "یک دولت واقعاً دموکراتیک، مستقل، یکپارچه و دارای حاکمیت ملی، که ممثل اراده مردم افغانستان و ضامن منافع آنها باشد و بتواند کشور را از بحران عمومی بیرون کشد، صلح پایدار، امنیت، آزادی، استقلال را تأمین و تحکیم بخشد و از تمامیت ارضی کشور دفاع و حراست نماید و جامعه افغانی را به سوی توسعه، انکشاف، ترقی و بهبودی زنده گی زحمتکشانش سوق دهد."

ما موضوع ائتلاف ها، اتحادها، بلوکها و جبهات سیاسی را با احزاب، نهاد ها و نیرو های ملی، دموکراتیک، مترقی و تحول طلب نی تنها اصولی و تاریخی میدانیم، بلکه آنها در مسیر مبارزات خود یک وظیفه ملی و وطنی به شمار می آوریم.

برداشت و ارزیابی ما از مسیر رویداد ها و جریانهای اجتماعی بر این پایه علمی استوار است که جامعه ما یک جامعه طبقاتی است و الزاماً احزاب، سازمانها، نیرو ها و گرایشهای گوناگون متنوع و متضاد در جامعه وجود دارد که هر کدام بخشی از نیرو های اجتماعی را نمایندگی میکنند به همین لحاظ مبارزه علیه ارتجاع، استبداد، ستم،

بیعدالتی، استثمار، استعمار و سایر مظالم اجتماعی را صرفاً حق انحصاری خود و یا چند حزب یا سازمان سیاسی، اجتماعی یا یک طبقه و یا قشر خاص نمیدانیم بلکه بر این اعتقادیم که در این مبارزه نیروهای دیگری اجتماعی - سیاسی نیز سهیم هستند که با توجه به ماهیت و سرشت طبقاتی، سطح آگاهی، چتر اندیشه‌ی و دیدگاه‌های خود متناسب با توانایی و ظرفیت و امکانات خویش گام بر میدارند. ولی با صراحت باید گفت که برای ما رجحان منافع زحمتکشان در تکوین و تشکیل هرگونه ائتلاف‌ها و اتحادها و جبهه‌های سیاسی خدشه‌ناپذیرترین اصول فعالیت‌های مبارزاتی محسوب می‌گردد.

به پندار ما، بازمانده‌های چپ دیروز و دیگر رهروان جنبش چپ دموکراتیک جامعه افغانی برای اینکه کارگذار و هوراکشهای دیگران نشوند لازم است صفوف خود را حول خواسته‌های طبقاتی، ارزشهای والای انسانی و آرمانهای آغازین جنبش چپ دموکراتیک کشور متمرکز سازند و مبارزات دموکراتیک را با مبارزات طبقاتی هماهنگ گردانند، چپ دموکراتیک و ترقیخواه دادگستر نباید "پرچم خلق"، پرچم دموکراسی خواهی و دادخواهی را بدست افراد مُرتد، نیروهای ارتجاعی قرون وسطایی، ارتجاع نوین، جنایت‌کاران جنگی و مطرح‌ترین عناصر متهم به نقض حقوق بشر در منازعات سه دهه‌ اخیر واگذار نمایند.

از آنهاییکه از لجن فساد برخاسته‌اند، زنده‌گی آنها با فساد و بیدادگری گره خورده، هزارها انسان مظلوم را برده‌ خود ساخته‌اند و بخشهای عظیمی از ثروت‌های زحمتکشان را غارت و برای زنده‌گی پرتجمل خود اختصاص داد‌اند، نباید انتظار آنرا داشت تا صلح، آزادی، امنیت، رفاه و عدالت اجتماعی را در افغانستان تأمین نمایند، همه‌ ما خوب میدانیم که عدالت در پنجه‌های خونین و مردار آنها اسیر است، از این دید ساختن جبهه‌های سیاسی با چنین عناصر جز از تقویت و اعاده‌ حیثیت آنها چیزی دیگر بار نخواهد آورد، ما برآنیم که اعاده‌ حیثیت کاران و دشمنان آزادی و خوشبختی مردم از وظایف نیروهای چپ دموکراتیک نمیشود، ما اجازه نداریم که اندک نیرو و اعتبار خود را صرف چنین کاری بی سرانجام نماییم، سیاست پیشه‌گان

حراف و بی تفکر خوب بدانند که سیقل دادن دشمنان آزادی مردم به "مصالۀ دموکراسی" و تمديد اعتبار تاريخی آنها وظيفۀ تاريخی خود آنها است .

حاکمیت دست نشانده کنونی و حامیان خارجی آنها، به نام و اعتبار "نیروی چپ" نیاز دارند، تا با عوامفريبی در سطح داخلی و بين المللی با پشتوانۀ مالی و رسانۀ خود از آن سو استفاده کنند، دست آنها بر خون هم‌زمان ما و مظلومان کشور آلوده است، صحبت آنها از دموکراسی، آزادی، عدالت و حقوق بشر، دام و فريبی بیش نیست. هيچ کدام آنها متحول و اصلاح نشده اند، دست یاری آنها برای وحدت حول موضوع دموکراسی و "شايسته سالاری" از زبونی آنهاست. ساختار فکری و اندیشه یی آنها با مقوله های آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر به ویژه حقوق زن بیگانه است.

بنابر آن همکاری ساختاری با احزاب، نهادها، جبهه ها و جریانهای که نظام فکری شان غیر دموکراتیک و ارتجاعی است و در پی حفظ تداوم و اشاعۀ اندیشه های واپسگرایی اند، یعنی با نیرو های که سرکوب دموکراسی، نقض حقوق بشر، پا گذاشتن بر آزادی انسان، تداوم وضع کنونی و حفظ حاکمیت فرماندهان تنظیمهای جهادی، مافیای مواد مخدر، انجوها و بیروکراتهای وابسته را در کار نامه های خود دارند اشتباه محض به شمار می‌رود (مرز بین اشتباه و خیانت باریک است)، دلبسته گی به استفاده از امکانات آنها مستحیل و خیال باطلی است، دوستان و رفقای قدیمی که تمام حیثیت خود و حلقات مربوطه خود را در این قمار سیاسی باختند، آیا میتوانند نمونۀ از دست‌آورد این سیاست شان را در استفاده از امکانات آنها شاهد بیاورند؟ واقعیت این است که آنها برای رسیدن به اهداف شان و حفظ و گسترش قدرت شان

تنها میخواهند بازمانده های چپ دموکراتیک را همچون وسیلهٔ مورد استفاده قرار دهند. ما نباید پُل پیروزی این دشمنان آزادی، رفاه و سعادت مردم افغانستان در دسترسی به قدرت باشیم.

منافع تهی‌دستان جامعه افغانی در تقویت و همکاری گسترده عناصر و نهاد های چپ، دموکراتیک و ترقیخواه است. باید هر روز در راه اعتماد سازی بیشتر و اتحاد نظری و عملی خود با جنبش چپ گام برداریم.

این سوال بر انگیز است که رفقای دیروز ما توانسته اند باب گفتگو و همکاری را با احزاب و نهادهای "جهادی- مافیایی" بگشایند ولی از همکاری و همراهی با ما دوری میورزند. باید دید ریشه های این مسأله در چی است و از کجا ناشی میشود.

یکی از زمینه های اصلی مبارزه ما تلاش برای همبسته گی، وحدت و ایجاد اتحاد ها و تشکیل جبهه های وسیع از نیروها ی دموکراتیک و ترقیخواه سیاسی و اجتماعی است. ما دور از انحصار طلبی، جناح گرایی، تفوق طلبی، الگو سازی و هیکل تراشی خواهان تشکیل اتحاد ها برای تحقق شعارهای مشترک و واحد می باشیم شکی نیست که دشمنان آزادی و سعادت مردم به ویژه امپریالیزم با صرف هزینه های هنگفت در وطن زخمی ما در پاشیدن تخم نفاق و ایجاد پراکنده گی بین نیرو های مترقی و آزادی خواه نقش مهمی بازی کرده اند و این بازی جریان دارد، زنده گی نشان داده که این پراکنده گی و تفرقه همیشه به نفع آنها بوده است.

برخی از دوستان و بازمنده گان چپ دیروز با پیش کشیدن شعار "منافع ملی" همگامی و هم دلی با سیاستها و عملکرد های رژیم حاکم دست نشانده را از طریق شکل گیری جبهات سیاسی مطرح مینمایند، به این دوستان باید گفت که، در فرهنگ سیاسی معمول، چپ به نیروی اطلاق میشود که خواهان تأمین عدالت اجتماعی، رفع انواع ستم و نابرابری، نفی استثمار، معتقد به مبارزه طبقاتی و در پی آزادی انسان، برقراری حاکمیت زحمتکشان و ایجاد یک نظام عادلانه و مترقی در جامعه باشد. در این مفهوم نیروی چپ همیشه جانبدار و مدافع حقوق زحمتکشان و علیه ارتجاع، ارتجاع نوین، استبداد و امپریالیزم است. الزاماً جبهه سیاسی نیرو های چپ دموکراتیک که منظور ما است نمیتواند غیر جانبدار باشد به همین لحاظ ترسیم خط حایل با رژیم های ضد مردمی از ارکان اساسی این جبهه محسوب میگردد. منظور ما در این مسأله

صرفاً نفی رژیم حاکم دست نشانده نیست بلکه هدف اساسی دستیابی به یک جامعه دموکراتیک و تکوین یک دولت دموکراتیک و مردمی است. اتحاد با طرفداران رژیم حاکم از این دید امر غیر منطقی و تشتت زاست. همکاری و هم‌رایی با این نیروها باید به مسایل روز مره گی منجمله عادی شدن وضع سیاسی - نظامی، رسانیدن کمکهای اولیه اقتصادی و بشری به اهالی نادار، ایجاد و یا از سرگیری فعالیتهای مؤسسه های اقتصادی، فعال گردانیدن اداره های دولتی، از سرگیری زنده گی اقتصادی در سراسر کشور، خلع سلاح تمام باندهای مسلح، ارایه پاسخ به مطالبات عاجل مردم در عرصه های تأمین نیازمندیهای اولیه زنده گی و نذیر اینها محدود شود.

نیروی چپ دموکراتیک واقعی معتقد و مؤظف به تلفیق مبارزات دموکراتیک و مبارزات طبقاتی است، کم بها دادن به هریک از آنها انحراف از اصل مبارزه متری علمی و خدمتگزاری به دنیای سرمایه است به همین اساس در اتحاد چپ دموکراتیک، دموکراسی، عدالت اجتماعی، تغییر نظام حاکم و ایجاد یک جامعه عادلانه و انسانی را در رأس آماج های خود قرار دهند. نباید اصل تداوم و کسست دیالکتیکی را فراموش کرد، «تجلی و ظهور دوباره جنبش چپ افغانی بعد از شکست عمیق، ناگزیر پایان دوره از جنبش چپ افغانیست.» ولی فروپاشی نهادها و بنیاد های فکری چپدیروز به هیچ صورت پایان جنبش چپ دیروز نیست. حوصلمندی انقلابی در عرصه پراتیک اجتماعی از ما میطلبد تا با متانت و پیگری در راه شکل جدید نیروهای چپ گام برداریم.

برگرفته از شماره ۳۸ دوردوم سال ۲۰۰۸ نشریه آینده ارگان مرکزی نهضت آینده افغانستان

www.ayenda.org

